

درس اول: هستی و چیستی

خلاصه مطالب درس اول

✓ این / آن اشاره دارد به هستی و وجود و فرض و قبول آن

✓ ماهیت = چیستی

✓ هستی و چیستی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌هاست.

✓ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌هاست.

✓ وجود و ماهیت، دو مفهوم جدا و متفاوت‌اند ولی در واقعیت یکی هستند. «هست» با «درخت درخت است»، «انسان انسان است» و ... فرق دارد.

✓ حمل «وجود» بر هر «ماهیت»، ضروری نیست و لذا، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسّی و تجربی باشد (از راه حسّ و تجربه بتوان به وجودش پی برد) یا عقلی منحصر (از راه برهان عقلی به وجودش پی برد).

✓ فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است، از جمله پایه برهان «وجود و امکان» ابن سیناست.

✓ علاوه بر ابن سینا، فیلسوفان دیگر نیز در مورد فرق ماهیت و وجود نقطه نظرانی داشته‌اند. ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» اجمالاً به این بحث پرداخته و در مسیحیت نیز توماس آکوئیناس، آلبرت کیپر و راجر بیکن،
@نکته: اصل دانش فلسفه را وجودشناسی (هستی‌شناسی / *Ontologie*) می‌گویند.

✓ از یک جهت هستی‌شناسی یا مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی یکی از علوم فلسفی است و از جهتی می‌توان کل فلسفه به معنای عام کلمه را هم هستی‌شناسی تلقی کرد. با این توضیح که هر بحث فلسفی، هستی‌شناسی آن بحث است. مثلاً، شناخت‌شناسی، در واقع هستی‌شناسی شناخت است؛ فلسفه تاریخ نیز در واقع هستی‌شناسی تاریخ است. ما در هر بحث فلسفی در حقیقت می‌خواهیم مبانی فلسفی یا هستی‌شناختی آن را بحث را بکاویم. این که در فلسفه ۱ گفته بود که فلسفه (به معنای عام کلمه) به بحث درباره مسائل بنیادی و نهایی می‌پردازد، منظور از «بنیادی و نهایی و ...»، یعنی هستی و وجود است. با این حساب، مابعدالطبیعه از هستی عام بحث می‌کند و شاخه‌های دیگر فلسفه از هستی واقعیات خاص بحث می‌کنند.

سوالات

@ گزاره‌های زیر را با واژه صحیح و غلط مشخص کنید:

۱- موضوع دانش فلسفه وجود است فلسفه، مسائل پیرامون وجود را بررسی میکند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را معرفت‌شناسی نیز می‌گویند.

۲- یکی از مباحث اولیة فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی یا وجود و ماهیت است.

۳- حیثیت وجود، وجه اختصاصی موجودات است و حیثیت ماهیت، وجه مشترک آنهاست.

۴- انسان می‌خواهد حیوانات را که همه موجودند، بشناسد و از وجودشان آگاه شود؛ هرچند که این آگاهی کامل باشد.

۵- ماهیت هر شی عبارت است از چیستی آن شی هرگاه از ذات یک شی سؤال شود پاسخ صحیح، ماهیت آن شی است.

۶- فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و فارابی مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

۷- از قرن ۱۶ میلادی بارش تجربه‌گرایی، دیدگاه‌های آلبرت کبیروراجزیکن جای خود را به فلسفه‌های حس‌گرا و تجربه‌گرا دادند.

۸- فلاسفه غرب از طریق علامه طباطبایی با فلسفه ارسطویی آشنا شدند.

۹- افلاطون در کتاب مابعد الطبیعه وجود را از ماهیت جدا می‌سازد.

۱۰- وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.

۱۱- اگر مفهوم وجود، عین مفهوم ماهیت بود. دیگر تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود. (نهایی شهریور ۹۸)

۱۲- حمل "حیوان ناطق" بر "انسان" یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد. (نهایی دی ۹۸)

۱۳- همه اشیای واقعی در جهان، در ذهن ما به دو جزء "وجود" و "ماهیت" تحلیل می‌شوند. (نهایی دی ۹۸)

@ جواب‌ها: ۱- غ ۲- ص ۳- غ ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- ص ۸- غ ۹- غ ۱۰- ص ۱۱- ص ۱۲- غ ۱۳- ص

@ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۱۴- معرفت‌شناسی درباره... صحبت می‌کند خودبخشی از هستی‌شناسی به معنای... است.

۱۵- یکی از مباحث اولیة فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم و است.

۱۶- نسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو حیثیت می‌یابد: حیثیت ... و حیثیت

۱۷- حیثیت وجود، وجه است و حیثیت ماهیت، وجه آنها.

۱۸- در جملات حملی «ماه هست»، «خورشید هست»، موضوع «.....» و محمول «.....» نامیده می‌شود.

۱۹- وقتی می‌گوییم "هستی" و "چیستی" دو جنبه‌ی یک چیزند، به این معناییست که آنها دو جزء از یک چیزند که باهم..... یا..... شده‌اند.

۲۰- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان..... و..... توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.

۲۱- نظریه مغایرت وجود با ماهیت ابن سینا مورد توجه..... نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم

آورد که تا عصر..... دنیال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.

۲۲- ارسطو در کتاب..... وجود را از ماهیت جدا می‌سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می‌کند.

۲۳- در تعریف انسان « حیوان ناطق است » « دو مفهوم » انسان و « حیوان ناطق » دو مفهوم یکدیگر .. هستند. تفاوت آنها صرفاً

در..... شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده‌تری است.

۲۴- فلاسفه..... از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدد با فلسفه..... آشنا شدند.

۲۵- همه موجودات از نظر " وجود " باهم اشتراک دارند و اختلاف آنها از جهت..... می باشد.

@ جوابها: ۱۴- حقیقت علم/ عام آن ۱۵- هستی یا وجود/ چیستی یا ماهیت ۱۶- موجود بودن/ چیستی داشتن ۱۷- مشترک

موجودات/ اختصاصی ۱۸- ماهیت/ وجود ۱۹- ترکیب/ جمع ۲۰- وجود/ ماهیت ۲۱- فلاسفه مسلمان/ ملاصدرا ۲۲- مابعدالطبیعه ۲۳- جدایی

ناپذیر/ گسترده‌گی ۲۴- غرب/ ارسطویی ۲۵- ماهیت

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۲۶- موضوع دانش فلسفه..... است فلسفه، مسائل پیرامون..... را بررسی می‌کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را نیز..... می گویند.

(۱) وجود- وجود- وجود شناسی (۲) ماهیت - وجود- وجود شناسی (۳) ماهیت- ماهیت- مابعدالطبیعه (۴) وجود- ماهیت - مابعدالطبیعه

۲۷- معرفت شناسی درباره..... صحبت می‌کند خود بخشی از هستی شناسی به معنای..... است.

(۱) واقعیت علم- خاص آن (۲) حقیقت علم - خاص آن (۳) واقعیت علم- عام آن (۴) حقیقت علم- عام آن

۲۸- از این که در قضایای آسمان هست، مرغابی وجود دارد و..... تصور ما از موضوع عین تصور ما از محمول نیست، کدام بحث

فلسفی را مستدل می‌سازد؟

(۱) اصالت وجود و اعتباریت ماهیت (۲) تشکیک مراتب هستی (۳) قبول واقعیت مستقل از ذهن (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۲۹- از اینکه دوقضیه "انسان، انسان است" و "انسان موجود است" به یک معنایستند، کدام اصل به دست بدست می آید؟

(۱) اصالت وجود و اعتباریت ماهیت (۲) تشکیک مراتب هستی (۳) قبول اصل واقعیت مستقل از ذهن (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۳۰- فلاسفه ای مثل آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به داشتند اینان در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را

در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های و تاحدودی بود.

(۱) ارسطو/ابن سینا/ابن رشد (۲) توماس آکوئیناس/ابن سینا/ابن رشد

(۳) ارسطو/توماس آکوئیناس/ابن سینا (۴) توماس آکوئیناس/ارسطو/ابن سینا

۳۱- چرا معرفت شناسی خود بخشی از هستی شناسی به معنای عام آن است؟ زیرا.....

(۱) حقیقت وجود که وجود ذهنی نامیده می شود خود از اقسام وجود است.

(۲) حقیقت علم، که وجود ذهنی نامیده می شود، خود از اقسام وجود است.

(۳) حقیقت وجود، که وجود علمی نامیده می شود، خود از اقسام علوم است.

(۴) حقیقت علم، که وجود علمی نامیده می شود، خود از اقسام علوم است.

۳۲- کدام یک از موارد زیر از مباحث اصلی فلسفه نیست؟

(۱) تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی / رابطه هستی با چیستی / واجب و ممکن

(۲) تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی / رابطه حرکت با تغییرات کمی / ثابت و متغیر

(۳) رابطه هستی با چیستی / تقسیم وجود به علت و معلول / ثابت و متغیر

(۴) رابطه هستی با چیستی / تقسیم وجود به علت و معلول / واجب و ممکن

@ جواب تست ها: ۲۶- گزینه ۱ ۲۷- گزینه ۴ ۲۸- گزینه ۴ ۲۹- گزینه ۴ ۳۰- گزینه ۲ ۳۱- گزینه ۲ ۳۲- گزینه ۲

۳۳- هر یک از گزینه های سمت راست با یکی از گزینه های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم بنویسید (یک مورد در سمت

چپ اضافی است)

الف) فلسفه توماسی - تومیسیم ۱- ابن سینا

ب) برهان وجوب و امکان ۲- فارابی

ج) کتاب مابعدالطبیعه ۳- توماس آکوئیناس

۴- ارسطو

@ جواب ها: الف- (۳) ب- (۱) ج- (۴)

۳۴- سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات

۱- موضوع دانش فلسفه

۲- پایه گذار فلسفه توماسی تومیسم

۳- یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا

۴- مولف کتاب مابعد الطبیعه

۵- وجه اختصاصی موجودات است.

۶- دو حیثیتی که انسان در هر چیزی مشاهده می‌کند.

۷- در گزاره «انسان حیوان ناطق است» محمول است.

۸- حمل وجود بر ماهیت نیازمند آن است.

ب: پاسخ‌ها

الف) ارسطو

ب) دلیل

ج) توماس آکوئیناس

د) وجود و ماهیت

ک) حیوان ناطق

ل) وجود

م) وجوب و امکان

ه) ماهیت

@ جواب‌ها: (۱) ل (۲) ج (۳) م (۴) الف (۵) ه (۶) د (۷) ک (۸) ب

@ به سوالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۳۵- چرا معرفت‌شناسی خود بخشی از هستی‌شناسی به معنای عام آن است؟

زیرا حقیقت علم، که وجود ذهنی نامیده می‌شود، خود از اقسام وجود است و این هستی است که به وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم می‌شود.

۳۶- مباحث اصلی فلسفه رانام ببرد؟

۱- تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی، ۲- رابطه هستی با چیستی ۳- تقسیم وجود به علت و معلول ۴- واجب و ممکن

۵- ثابت و متغیر

۳۷- انسان را از نظر منطقی و فلسفی تعریف کنید.

انسان = انسان حیوان ناطق است.

۳۸- چرایی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است؟

زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولا در کنار هم به کار می‌روند.

۳۹- حیثیت های دریافتی متفاوتی که یک انسان در هر چیزی مشاهده می کند چند نوع است؟ بنویسید.

دو نوع، حیثیت موجود بودن و حیثیت چستی داشتن وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

۴۰- در مبحث «مغایرت وجود و ماهیت» بر کدام توانایی ذهن انسان تأکید شده است؟

قوة تجرید و انتزاع ذهن می تواند از یک واقعیت واحد، مفاهیم متعددی به دست آورد و این که وجود و ماهیت در عالم ذهن مغایر یکدیگرند.

۴۱- برهان وجوب امکان درباره اثبات چه چیزی است؟ این برهان را چه کسی ارائه کرده است؟ پایه این برهان چیست؟ این

برهان درباره اثبات خداوند است. این برهان را ابن سینا ارائه کرده است و پایه این برهان مغایرت وجود و ماهیت است.

۴۲- حمل وجود بر چستی و ماهیت نیازمند چیست؟

نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض

۴۳- یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چیست؟

فرق بین ماهیت و وجود یا همان مغایرت وجود و ماهیت

۴۴- تحلیل و تفسیر خود را نسبت به گزاره های ذیل بنویسید:

۱- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم چستی آنها را تا حدود زیادی می شناسیم و هم از هستی اطلاع داریم.

۲- برخی امور هستند که چستی شان برای ما روشن است و حتی در علوم هم کاربرد دارند اما نمی دانیم به همان دقتی که آنها را تعریف می کنیم وجود دارند.

۳- برخی امور هستند که از «هستی» شان خبر داریم اما هنوز درباره چستی «آنها نظر روشنی نداریم.

۴- چستی های فراوانی را هم می توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می دانیم این امور حداقل تا کنون وجود ندارند.

@ جواب: گزاره های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می شوند و قضایای فلسفی نیستند، یک تبیین فلسفی دارند.

۴۵- دو فیلسوفی را که در اروپا در بین قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی، دیدگاه های ابن سینا را ترویج کردند، نام ببرید؟ (نهایی دی ماه ۹۸)

آلبرت کبیر - راجریکن

۴۶- راجر بیکن از نظر فلسفی تحت تاثیر کدام اندیشمند مسلمان بود؟ (با اندکی تغییر نهایی دی ماه ۹۸)

ابن سینا

* پاسخ کامل و تشریحی دهید:

۴۷- قدم های موجود برای شناسایی نسبت میان هستی و چیستی یا وجود و ماهیت را به اختصار بنویسید؟

قدم اول: هر یک از ما با دقت در زندگی خویش، متوجه می شویم که همواره در اطرافمان چیزهای را یافته و به حسب نیاز، از آنها استفاده کرده ایم؛ برای مثال، آب را شناخته ایم و با نوشیدن آنتنشنگی خود را رفع کرده ایم. در همین سیر به گذشته، مواردی را هم به خاطر داریم که چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خودپی برده و متوجه شده ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند غول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب. **قدم دوم:** انسان با استفاده از کلمه "این" یا "آن" نشان می دهد که به "وجود" موجودات پی برده است و می داند که آنها موجودند اما از ماهیت و چیستی هر یک از آنها آگاه نیست. او می خواهد آن موجودات را که همه موجودند، شناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد. مثلاً شناسایی یک کودک از حیوانات مختلف **قدم سوم:** نمایر میان "ماهیت" و "وجود" این سینا: وقتی می گوئیم دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که یا هم ترکیب یا "چیستی" و "هستی" جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی پرسد چه رنگی است، می گوئیم سفید است.، وقتی می گوئیم «انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، و آلاً در خارج، دو امر جداگانه به نام "وجود" و "انسان" نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم. به عبارت دیگر، "وجود" و "انسان" دو مفهوم مختلف و متفاوتند. نه دو موجود جداگانه.

۴۸- تبیین و تفسیر این سینا از مفاهیم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

این سینا بیان کرد که وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی پرسد چه رنگی است، می گوئیم سفید است.، وقتی می گوئیم «انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، و آلاً در خارج، دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم. به عبارت دیگر، «وجود و انسان» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.

۴۹- ماهیت را تعریف کرده و با ذکر مثال اثبات کنید که وجود با ماهیت در ذهن مغایر یکدیگرند؟ یا چرا مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن نیست؟ یا آیا تصور آدمی از مفهوم وجود عین تصور او از مفهوم ماهیت است؟ چرا؟ (یکی به اختیار)

پاسخ ۱: ماهیت هر شیء عبارت است از چستی آن شیء. اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیازنداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود. حال آنکه مجرد تصور یک ماهیت، برای حمل وجود و اتحاد مفهوم وجود با آن کافی نیست. (برای مثال، ماهیت ققنوس که در ادبیات ما آمده، بر ما معلوم است و می دانیم که: «ققنوس مرغی است بامقاری دراز که سوراخ های متعددی دارد واز هرسوراخ این منقار، آوازی خوش برمی آید و جایگاهش برکوه بلندی است و عمرش هزار سال است و جفت ندارد. چون عمرش به پایان می رسد، هیزم بسیار جمع می کند و بر بالای آن می نشیند و سرودن آغاز میکند و بال و پر به هم میزند. از برهم زدن بال هایش آتشی میجهد و در هیزم میافتد و ققنوس خود در آن آتش میسوزد و از خاکسترش، تخم ققنوس جدید پدید می آید).

پاسخ ۲: مقدمه ۱: اگر مفهوم وجود عین ماهیت بود می بایست برای اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیاز به دلیل نبود. مقدمه ۲:

ولی برای این امر ما نیازمند دلیل هستیم. پس: وجود و ماهیت باهم یکسان نبوده مغایرت دارند. (مثال مناسب)

پاسخ ۳: بنا بر این، حمل وجود بر هر چستی از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا

عقلی محض. مثال: در دو گزاره انسان حیوان ناطق است و انسان موجود است حمل وجود بر انسان با حمل حیوان ناطق بر انسان کاملاً متفاوت است.

۵۰- با ذکر مثالی مناسب مغایرت وجود و ماهیت را تبیین و تفسیر کنید؟

در عبارت انسان حیوان ناطق است، حیوان ناطق که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس انسان همان حیوان ناطق

است. به عبارت دیگر، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً

لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است. بنا بر این، حمل

حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیازنداشت؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را

بر انسان حمل کنید؟ اما در عبارت، انسان موجود است مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنا بر این،

میان انسان به عنوان یک چستی و وجود رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، میتواند موجود باشد و میتواند موجود نباشد.

۵۱- گذر وسیع تاریخی بحث مغایرت وجود با ماهیت را بیان کرده و بنویسید زمینه ساز چه بحثی شد؟

توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در این بحث بدین معناییست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه وجود را از ماهیت جدایی سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند. به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان مغایرت وجود و ماهیت و با عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که گفته اند فرقی بین ماهیت و وجودی تردید یکی از اساسی ترین آرا عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان وجوب و امکان است.

۵۲- نقش و اهمیت توماس آکوئیناس در گسترش بحث مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا را بنویسید؟

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد و همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۵۳- چه کسانی دیدگاهی نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند و در قرون ۱۳ تا ۱۵ در اروپا فلسفه کدام فیلسوفان را ترویج

کردند؟ و سبب ظهور کدام فلسفه اروپا بی در قرن ۱۶ گردید؟

فلاسفه دیگری مانند آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند. اینان در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.

۵۴- وقتی می گوئیم " هستی " و " چیستی " دو جنبه یک چیزند به چه معنا هست و به چه معنا نیست؟

وقتی می گوئیم « هستی » و « چیستی » دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است. در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم. ماهیت و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.

@جواب فعالیت ها و تمرینات

★ پاسخ تامل ص ۳

- ۱- در اطراف ما چیزهای زیادی وجود مانند: آب-آتش و ستاره-اسب-.....(مفهوم وجود و ماهیت دو تاست).
- ۲- چیزهایی هستند که در ذهن ما وجود دارند و لی وجود واقعی ندارند و وجودشان خیالی است. (ممکن است ماهیتی را در ذهن خود تصور کنیم ولی در عالم واقع و بیرون از ذهن وجودی نداشته باشد). تفکر فلسفی به انسان کمک می کند که چیزهایی را که واقعیت ندارند از چیزهایی که واقعیت دارند، بازشناسیم. یا تفکر فلسفی به انسان کمک می کند که چیزهایی را که واقعیت ندارند از چیزهایی که واقعیت دارند، بازشناسیم.

★ پاسخ تکمیل گزاره ها، ص ۴

- ۱- درخت صنوبر-انسان-ستاره-اسب-فیل-.....
- ۲- مثلث-مستطیل (مانند اشکال هندسی) محلّ ابهامه
- ۳- الکترون، انرژی، امواج الکترومغناطیسی و سیاه چاله ها در فضا و حقیقت نور، خداوند، فرشتگان، جنیان و روح
- ۴- سفر در زمان، کارخانه تولید اعضای طبیعی بدن و غول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب.

★ پاسخ بررسی، ص ۵

- اگر مفهوم وجود عین ماهیت (نوع) یا حتی جز ماهیت (جنس یا فصل) بود تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود یعنی همین که می توانستیم یک ماهیت را تصور کنیم باید می توانستیم مفهوم وجود را بعنوان محمول بران حمل نماییم حال آنکه چنین نیست می گوئیم غول یا کیمیا چیست؟ ماهیت آن را داریم ولی نمی توانیم بگوئیم وجود دارد. به عبارت دیگر:
- ✓ تصور هر ماهیتی، به معنای وجود آن بود. به این معنی که هر چیزی را تصور می کردیم، باید وجود می داشت.
- ✓ مفهوم تمام ماهیات یکی می شد.

★ پاسخ بازیابی ص ۶

- ۱- بله چون بعضی موجودات حسی و تجربی هستند و بعضی دیگر عقلی محض هستند.
- ۲- ۳ و ۴
- توضیح صرفاً برای تبیین: (اولاً همه گزاره ها بایان ابن سینا هماهنگ است و تضادی باقول ایشان ندارد. ثانیاً گزاره سوم و چهارم باروشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت رامی رسانند، زیرا در گزاره سوم این نکته آمده که هستی برخی از امور رامی شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می آوریم. گزاره دوم تا حدود زیادی بیانگر تمایز میان وجود و ماهیت است اما گزاره سوم و چهارم به نحو روشن تر این تمایز رامی رسانند.)

- ۱- به عنوان گزاره، گزاره سوم (اشیاء هستند) مقدم است. این گزاره به تنهایی دلالت می‌کند بر اصل واقعیت و این که من می‌توانم اشیاء را بشناسم و این که من هستم و بعد من هستم و در آخر، من می‌توانم اشیاء را بشناسم.
- ۲- می‌توان مغایرت و دوگانگی مفهوم وجود و ماهیت را نتیجه گرفت.
- ۳- به ترتیب: ضروری - محال - ضروری - ضروری - نیازمند دلیل، چون وجودش ممکن است و می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد.
- ۴- خیر، چون مفهوم سه ضلعی، جزء مفهوم مثلث است، به عبارت دیگر حمل سه ضلعی بر مثلث ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شده که شما سه ضلعی را حمل بر مثلث کردید. و این دو مفهوم از یکدیگر جدایی نپذیرند. و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی شان است؛ یعنی سه ضلعی مفهوم گسترده‌تر مثلث است. (خیز را محمول ذاتی مثلث است)